

Hamza al-Iṣfahānī as a Source on the Zoroastrian Story of Creation

Mohammad Abdi*

Touraj Daryaei**

Abstract

In the first part of Hamza al-Iṣfahānī's *Ta'rīkh sinī mulūk al-arḍ wa'l-anbiyā*, otherwise known as *Kitāb al-omam*, there is a chapter which narrates the Zoroastrian creation story, based on an unknown source. The purpose of this article is to identify the source / book for Hamza. This is done by comparing the content quoted by Hamza and that of the existing Pahlavi books. We conclude that only one of the surviving Pahlavi texts have been used, namely that of the *Bundahišn*. Therefore the study of *Bundahišn* is in a way the model for the unknown source in Hamza al-Iṣfahānī's bibliography.

Keywords: Bundahišn, Hamza al-Iṣfahānī, Islamic Historiography, Iranian National History, *Ta'rīkh Sinī Mulūk al-Arḍ wa'l-Anbiyā*, Zoroastrianism.

* Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), s.m.abdi1365@gmail.com

** Professor of Ancient History, University of California, Irvine, U.S.A., tdaryaei@uci.edu

Date received: 2021/11/18, Date of acceptance: 2022/3/2



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش

سیدمحمد عبدی*

توج دریایی**

چکیده

فصل آخر از باب یکم کتاب تاریخ حمزه اصفهانی، با عنوان *سنی ملوک الارض و الانبیاء* یا *کتاب الامم*، روایت زردشتیان از خلقت جهان را از کتابی ناشناخته نقل کرده که به نام آن اشاره نکرده است. هدف این مقاله تلاش برای یافتن یا نزدیک شدن به هویت آن کتاب است که از طریق مقایسه محتوایی نقل قول حمزه با کتب پهلوی موجود به این نتیجه رسیده‌ایم که هیچ کدام از آثار موجود نمی‌تواند کتاب مورد نظر باشد، مگر بندهش که احتمالاً بیرون از این سه فرض نیست: کتاب مورد نظر یا همین نسخه موجود از بندهش بوده است یا دو کتاب جداگانه بوده‌اند که یکی مأخذ دیگری بوده است یا عمده مطالبشان را از یک مأخذ مشترک نقل کرده‌اند. بنابراین، مطالعه بندهش می‌تواند در مأخذشناسی حمزه اصفهانی نماینده آن کتاب بی‌نام باشد.

کلیدواژه‌ها: بندهش، تاریخ ملی ایرانیان، تاریخ‌نگاری دوره اسلامی، جهان‌بینی زردشتی، حمزه اصفهانی، *سنی ملوک الارض و الانبیاء*.

۱. مقدمه و بیان مسئله

کتاب تاریخ حمزه اصفهانی که با عنوان *کتاب الامم و سنی ملوک الارض و الانبیاء* نزد اهل تحقیق معروف است^۱ از مأخذ معتبر و درخور اعتناست که با موضوع تاریخ عمومی جهان

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
s.m.abdi1365@gmail.com

** استاد تاریخ ایران و جهان باستان، دانشگاه کالیفرنیا، ارواین، ایالات متحده آمریکا،
tdaryae@uci.edu

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱



در ده باب ترتیب یافته و هر باب مشتمل بر چند فصل است. تاریخ اتمام کتابت آن بنا بر فصل پایانی اواخر جمادی الآخر سنه ۳۵۰ق است (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۱۸۳). مطالب آن طبق مقدمه نویسنده بدین قرار است:

باب الاول فی سیاقه تواریخ سنی ملوک الفرس، باب الثانی فی سیاقه تواریخ سنی ملوک الروم، باب الثالث فی سیاقه تواریخ سنی ملوک الیونانیین، باب الرابع فی سیاقه تواریخ سنی ملوک القبط، باب الخامس فی سیاقه تواریخ سنی الإسرائیلیین، باب السادس فی سیاقه تواریخ لخم ملوک عرب العراق، باب السابع فی سیاقه التواریخ غسان ملوک عرب الشام، باب الثامن فی سیاقه تواریخ حمیر ملوک عرب الیمن، باب التاسع فی سیاقه تواریخ ملوک کنده، باب العاشر فی سیاقه تواریخ قریش ملوک عرب الاسلام (همان: ۵).

هم چنین، محاسبه تطبیقی نوروز از سال یکم تا ۳۵۰ق به این قصد که مقارن با کدام روز و ماه گاه‌شماری قمری بوده است و در باب دهم به آن پرداخته شده است (همان: ۱۳۸-۱۴۴).

اهمیت این کتاب در مقایسه با دیگر تواریخ فارسی و عربی، که در ازمنه متقاربه نوشته شده‌اند، از توجه مورخان تصور متقدمه تا محققان معاصر و ارجاعاتی که به مطالب آن داده‌اند معلوم است، اما عمده این توجه معطوف به تدوین جدول شاهان ایران پیش از اسلام به هم‌راه سال‌شمار دوران سلطنت آن‌ها و فهرستی است که از کتب مشهور به سیر یا تاریخ‌الملوک در باب تاریخ ایران باستان^۲ ارائه کرده‌اند و مدعی است که مطالبش را درباره ایران از آن‌ها نوشته است. خالی از مبالغه است اگر مورد اخیر را در میان آثار فارسی و عربی مهم‌ترین سند برای مطالعه *خدای‌نامه* و سنت تاریخ‌نگاری عهد ساسانی بدانیم (برای نمونه، بنگرید به Al-Biruni 1878: 114-115; Hämeen-Antilla 2018: 50, 117-121).

حمزه اصفهانی فصل پنجم از باب اول کتاب تاریخ خود را که «در بیان تاریخ سال‌های پادشاهان ایران» (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰) است به «گفتار *خدای‌نامه* درباره آغاز آفرینش جهان» اختصاص داده و می‌گوید: «و هو فی حکایة جُمُل ما فی *خدای‌نامه* لم یحکها ابن‌المقفع و لا ابن‌الجهم»^۳، اما نکته درخور توجه این است که مطالب این فصل را نه از *خدای‌نامه*، بلکه از کتابی می‌آورد که مطالبش را مأخوذ از *اوستا* می‌داند: «قرأت فی کتاب نقل من کتابهم المسمى بالآبستا» (همان: ۴).

هدف این مقاله تلاشی برای نزدیک‌شدن به هویت و نام این کتاب است.

۲. ضرورت پژوهش

نخست باید گفت که در بین تواریخ و حماسه‌های عربی و فارسی قدیم، نمونه‌ای را نمی‌توانیم یاد کنیم که به اندازه مطلب منقول از حمزه با منابع پهلوی هم‌خوانی داشته باشد. خاصه که خود حمزه تصریح کرده که این منبع به صورت کتاب بوده است و شناخت آن در موضوعات مهمی از جمله مسئله شفاهی یا کتبی بودن سنت تاریخ‌نگاری ایران پیش از اسلام اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

برای تبیین اجمالی این فقره از چند منبع مهم نمونه می‌آوریم تا قیاس آن با مطلبی که حمزه نقل کرده مؤید مدعای فوق باشد.

در تمام منابع فارسی و عربی که بررسی کرده‌ایم، وجود روایات التقاطی در رابطه با اخبار ایران باستان به چشم می‌خورد (درباره روایات التقاطی، بنگرید به عبدی و دریایی ۱۴۰۰)، لکن ما صرفاً آن روایاتی را که به ادعای نویسندگانشان از ایرانیان و علمای زردشتی (مجوس) نقل کرده‌اند، به صورت اجمالی و نقل به مضمون می‌آوریم. روایت طبری درباره کیومرث، به نقل از ایرانیان (فرس)، این است که کیومرث همان آدم بود و پسری به نام میشی (مشی) داشت که با خواهر خودش میشانه (مشیانه) ازدواج کرد و از ایشان سیامک و سیامی زاده شد و از این دو نیز افرواک (طبری ۱۹۸۷: ج ۱، ۱۵۳). مقدسی در ذکر منبعش می‌گوید: «زعم الاعاجم فی کتابها...» و آنچه نقل می‌کند این است که کیومرث از نخستین فرزندان آدم بود، و در نقلی دیگر می‌گوید: «بعضی از ایشان می‌پندارند که میشی [مشی] همان آدم و پسر کیومرث بود که از خون او رویید» (Al-Maqdisi 1899: vol 3: 138-139). مسعودی در التنبیه و الاشراف کیومرث را با آدم ابوالبشر یکی گرفته (مسعودی ۱۹۳۸: ۸۱) و در مروج الذهب، علاوه بر این، روایتی دیگر نیز مبنی بر این آورده است که در حدفاصل زمان آدم تا نوح مردم به زبان سریانی سخن می‌گفتند و پادشاه نداشتند. کیومرث بزرگ ایشان بود که مردم به منظور رفع دشمنی و تعدی و نیز اصلاح امور از او خواستند تا شاه شود و اولین کسی بود که پادشاه شد و تاج‌گذاری کرد (Maqoudi 1917: 106-107) و روایت فردوسی نیز از مقوله همان روایات غیرزردشتی است که اگرچه میان او با شخصیت‌های سامی مثل آدم، یافت، و... نسبتی برقرار نکرده، اما او را نخستین شاه معرفی کرده است و نه نخستین انسان و روایت مشی و مشیانه نیز غایب است (فردوسی ۱۳۸۶: ج ۱، ۵). در هیچ‌یک از منابع به گاو نخستین و دیگر موضوعات مرتبط با روایت پیدایش جهان از نظر زردشتیان و ایرانیان باستان اشاره‌ای نشده است.

دیگر این که، از امتیازات مهم سنی ملوک الارض و الانبیاء، روش حمزه اصفهانی در نوشتن تاریخ است که در نقل یا نقد مطالب گذشتگان، به ذکر دقیق مشخصات مرجعی می‌پردازد که از آن نقل قول می‌کند. برای نمونه، در فصل نخست از باب اول کتاب، وقتی از «بومعشر منجم» نقل قول می‌کند، بعد از هر بند، مرتب نام او را ذکر می‌کند یا با عبارت «قال» به او اشاره می‌کند تا خواننده بداند هم‌چنان از قول اوست و نه نویسنده (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۱۰-۱۲)، یا در آغاز فصل دوم می‌گوید: «فی إعادة ذکر بعض ما مضی فی الفصل الأول من التاریخ مع شرح له آتی به موسی بن عیسی الکسروی فی کتابه...» و برای این که قول خودش از قول کسروی متمایز باشد، در آغاز نقل قول از کسروی می‌گوید «قال...» (همان: ۱۶) و زمانی که می‌خواهد از نقل قول کسروی فارغ شود و به قول خویش بازگردد می‌گوید: «فهذه جمله ما سرده الکسروی»^۵ (همان: ۲۱). مثال دیگر از فصل دوم از باب دوم، در تعیین سال‌های پادشاهی دقلطیانس و أغسطس می‌گوید: «و ذکر ابومعشر فی کتاب الالوف سنی ملکین من ملوک...الخ» (همان: ۵۴).

مورد دیگر نیز به یکی از امتیازات سنی ملوک الارض و الانبیاء بازمی‌گردد؛ یعنی انسجام مطالب و دقت در انتخاب منابع و آوردن نقل قول‌های دقیق که به کمک آن می‌توان ثقات علوم مختلف، از جمله نجوم و تاریخ، را از طریق کتاب او بازشناخت و از توضیح بی‌نیاز است که کتاب حمزه از این نظر در مطالعات مربوط به تاریخ عمومی از قبیل نجوم، تاریخ‌نگاری، و ادبیات در شمار منابع ضروری قرار گیرد.

هم‌چنین، مورد وثوق بودن سنی ملوک الارض و الانبیاء را نیز از توجه و استنادات اکابر و مشاهیری از قبیل بیرونی (Al-Biruni 1878: 105)، مقدمه قدیم شاهنامه (فردوسی ۱۳۸۴: برگ ۳ پشت)، از استنادات ابومنصور معمری و همکارانش در تدوین شاهنامه مشهور،^۶ و استنادات صاحب کتاب مجمل‌التواریخ و قصص می‌توان دریافت؛ خاصه این که در جای جای کتاب مجمل‌التواریخ، که می‌توان آن را جمع‌بندی و مروری اجمالی بر منابع تاریخی معتبر تا قرن ششم دانست، بارها به حمزه و تاریخ او اشاره شده و بخش‌هایی از کتابش را به ترجمه و نقل مستقیم مطالب کتاب حمزه اختصاص داده است، به گونه‌ای که از این دو کتاب برای تصحیح و تفسیر آن کتاب دیگر استفاده شده است (برای نمونه به منظور بهره‌گیری از متن مجمل‌التواریخ در تصحیح یا ترجمه سنی ملوک الارض و الانبیاء، بنگرید به شعار و میتوخ ۱۳۴۶: ط، یه، یو؛ در بهره‌گیری از سنی ملوک الارض و الانبیاء برای تصحیح کتاب مجمل‌التواریخ، بنگرید به مقدمه بهار ۱۳۸۹: که).

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سیدمحمد عبدی و تورج دریایی) ۲۴۳

بنابه آنچه توضیح داده شد، مأخذشناسی حمزه اصفهانی در نوشتن سنی ملوک الارض و الانبیاء اهمیت خودش را معلوم داشته و اقدام در جهت شناسایی این کتاب بی‌نام از دید ما در مطالعات مربوط به تاریخ ادبیات (در معنای وسیع آن)، تاریخ زردشت و زردشتیان، تاریخ ایران پیش از اسلام، وضعیت تاریخ‌نگاری در قرون نخستین اسلامی، و اطلاع از کیفیت و نحوه مواجهه با مسائل تاریخی - اعتقادی زردشتیان و ایرانیان باستان توسط مورخان اسلامی شایسته توجه است.

۳. پیشینه تحقیق و خالهای تحقیقاتی موجود

هنوز با گذشت بیش از یک سده از مقاله میتوخ (۱۹۴۲) در احوال و آثار حمزه اصفهانی نخست باید به آن رجوع کرد و عمده پژوهش‌های بعدی نیز با ارجاعات مکرر به آن نوشته شده است. باین‌حال، به مأخذ حمزه به‌صورت موردی و گه‌گاه پرداخته است و در یافتن پاسخ پرسش ما کمکی نمی‌کند (بنگرید به مقدمه میتوخ ۱۳۴۶: یا-یط). سایر مطالعاتی که درباره حمزه اصفهانی یا سنی ملوک الارض و الانبیاء انجام شده است، چه آن‌هایی که به‌صورت اختصاصی و چه آن‌هایی که به‌صورت ضمنی به این موضوع پرداخته‌اند، عمدتاً به کتاب موردنظر ما اشاره‌ای نکرده‌اند. به‌عنوان مثال، روزنتال (Frantz Rosenthal) در بحث نجوم از ابومعشر به‌عنوان یکی از مأخذ حمزه یاد کرده (Rosenthal 1968: 111). کریستنسن نیز صرفاً منابعی را که در سه فصل اول در ترجمه‌های *حدای‌نامه* بوده در سه دسته تقسیم‌بندی کرده، اما به موضوع موردنظر ما نپرداخته است (کریستنسن ۱۳۶۸: ۹۹). سالاری بخشی از مقاله‌اش را به مأخذشناسی کتاب حمزه اصفهانی اختصاص داده، اما به ذکر منابعی که هویت آن‌ها معلوم بوده بسنده کرده و مورد مدنظر ما را مسکوت باقی گذاشته است (سالاری ۱۳۷۷). در چند مورد مطالعاتی نیز به این کتاب اشاره کرده‌اند. احمدوند جملات حمزه درباره این منبع را نقل قول کرده و برای معرفی *اوستا* به‌عنوان یکی از منابع حمزه به آن استناد کرده، اما درباره هویت خود این منبع اظهارنظری نکرده است (احمدوند ۱۳۸۹). آنتیلا (Hameen Anttila) در ذیل مأخذ حمزه اصفهانی در کتاب خود از این منبع یاد کرده و درباره آن صرفاً می‌گوید: «داستانی است که ادعا شده از *اوستا* روایت شده» و به مکتوب‌بودن این منبع نیز اشاره نکرده است (Anttila 2018: 119). طبق بررسی‌های ما در منابعی که احتمال می‌دادیم به این موضوع پرداخته شده باشد، تنها رابین (Rubin) اظهارنظر کرده و طبق حدس او «روایتی خلاصه و مغلوط از چند فصل کتاب *بندهش*»^۷ است

(Rubin 2008: 40). در ادامه، این موضوع را به صورت اختصاصی پی خواهیم گرفت و هدف ما برداشتن قدمی در پیش برد این موضوع در مسیر کشف نام این کتاب است.

۴. روش پژوهش

عین عبارتی که حمزه درباره این کتاب به کار برده این است: «قرات فی کتاب نقل من کتابهم المسمی بالآبستا...الخ» (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰). چنانچه ملاحظه می شود، هیچ اشاره ای هرچند مختصر، که در کشف و حدس نام کتاب به کار آید، وجود ندارد، مگر مطالبی که از این کتاب نقل شده و ادعای آن که مطالبش را از *اوستا* نقل کرده است. بنابراین، روش ما مطالعه تطبیقی محتوای مطلب نقل قول شده با منابع پهلوی است. به این منظور، به عنوان مؤید و مکمل بحث برای تقویت نتیجه گیری نهایی، منبعی که با متن حمزه بیشترین تطبیق را داشته باشد با مهم ترین منابع فارسی و عربی نوشته شده در شش قرن نخست (اعم از متون تاریخی یا حماسی) به صورت تطبیقی بررسی کرده ایم.

۵. بحث

با لحاظ کردن پژوهش تفضلی (۱۳۸۹) و چرتی (۱۳۹۵) و حدسی که رابین زده است، آنچه از منابع پهلوی از نظر اشتغال مطالب می تواند موضوع بررسی ما درباره مطالب نقل قول شده توسط حمزه اصفهانی قرار گیرد، عبارت است از *دینکرد*، *بندهش*، *گزیده های زادسپرم*، *روایت پهلوی*، و *مینوی خرد*. به جز اشاره رابین، طبق مطالعه ای که ما در محتوای این منابع انجام داده ایم، کتاب *بندهش*، علاوه بر کلیات، جزئیات درخور توجه مشترکی با کتاب *سنی ملوک الارض و الانبیاء* یا *کتاب الامم* داشت که در ادامه به بررسی تطبیقی این دو خواهیم پرداخت، ضمن این که برای توضیح علت کنار گذاشتن گزینه های دیگر تشابهات و اختلافات چهار منبع دیگر را نیز نشان خواهیم داد، اما پیش از پرداختن به این برابرخوانی ارائه معرفی مختصر از محتوای *بندهش* ضروری است.

۶. درباره بندهش

اگرچه *بندهش* از نظر حجم، بعد از *دینکرد*، دومین متن مفصل پهلوی شناخته می شود، نه فقط در قیاس با منابع پهلوی، بلکه در قیاس با *اوستا* موجود حتی باید گفت *بندهش*،

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سیدمحمد عبدی و تورج دریایی) ۲۴۵

که در معنی آفرینش آغازین یا بنیادین است (تفضلی ۱۳۸۹: ۱۴۱، فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۵، تاوادیا ۱۳۵۵: ۹۱)، مفصل‌ترین روایت پیدایش جهان از آغاز، خلقت عالم مینوی، مادی، زمین و آنچه در آن است، گیاهان، حیوانات، انسان، و پیدایش اولین زوج بشر (مشی و مشیانه) تا سرگذشت زندگی آن‌ها و گسترش نسل بشر و تشعب اقوام است، اما علاوه بر این تا انجام جهان مطلب را دنبال کرده و مطالب متعددی را نیز به صورت ضمنی در بخش‌بندی انواع گیاهان، جانوران، اقوام، گاه‌شماری ایرانی، مسائل نجومی، برخی احکام زردشتی، و تبارشناسی شخصیت‌های برجسته ملی و مذهبی از خاندان شاهی و طبقه موبدان شامل می‌شود.

این حجم از اطلاعات موجود در کتاب در مطالعه نگرش زردشتیان قرون اولیه اسلامی (و احتمالاً دوران ساسانی) به جهان و تبیینشان از جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی بندهش را از منابع دست‌اول و مهم قرار می‌دهد. هم‌چنین، مقایسه آن با *اوستا* برای مخاطب‌شناسی تاریخی *اوستا* از نظر نحوه قرائت و تفسیر مطالب آن در عهد قدیم مهم است.

درباره تاریخ تألیف و هویت نویسنده بندهش تردید و بحث است، به‌ویژه این‌که در یک‌دست‌بودن مطالب کتاب اتفاق نظر وجود ندارد و امثال بهار و تفضلی معتقدند بخش‌هایی، مثلاً پیش‌گفتار نخستین آن، در قرون بعد به کتاب افزوده شده است، اما آنچه مورد پذیرش قریب به اتفاق دانشمندان این حوزه است، نام فرنیغ دادگی به‌عنوان نویسنده یا بازنویس شاکله اصلی متن است که در قرن سوم هجری (نهم میلادی) می‌زیسته و معاصر یکی دیگر از نویسندگان متون پهلوی، یعنی زادسپرم، نویسنده کتاب *گزیده‌های زادسپرم* بوده است (تفضلی ۱۳۸۹: ۱۴۱، فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۵-۶؛ تاوادیا ۱۳۵۵: ۹۳).

۷. برابرخوانی مطلب منقول در کتاب *سنی ملوک الارض و الانبیاء* با منابع دیگر

از آنجایی‌که در متون کهن نقل قول مستقیم به‌روش امروزی غالباً مورد توقع اهل علم هم نبوده، به‌دلیل جبران فقدان عبارات و جمله‌بندی‌های مرجعی که از آن نقل قول شده، مطالب منقول در *سنی ملوک الارض و الانبیاء* را براساس موضوعات و نکات موجود در آن بخش‌بندی می‌کنیم و با مطالب موجود در بندهش و دیگر منابعی مقایسه می‌کنیم که در این معنی هم‌خوانی داشته باشند. نقل قول‌ها از کتاب حمزه براساس متن عربی (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱) است که ترجمه فارسی آن‌ها در بخش یادداشت‌های آخر مقاله

آمده است و کتاب بندهش به جز موارد استثنا، که لازم بوده است به اصل متن یا ترجمه‌های دیگر ارجاع داده شود، به ترجمه بهار از بندهش (فرنیغ‌دادگی ۱۳۹۷) ارجاع دارد.

۱. سنی ملوک الارض: «قرأت فی کتاب نقل من کتابهم المسمی بالآبستا» (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰).^۸

بندهش: «هان! زندآگاهی نخست درباره آفرینش آغازین هرمزد و...» (فرنیغ‌دادگی ۱۳۹۷: ۳۳).

𐬰𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀 (دست‌نویس ت د ۲: ۲۵۳۷). حرف‌نوشت: znd-'k'syh تلفظ: zand-āgāhīh

از دید ما زندآگاهی را، خواه به‌عنوان صفت یا اسم مرکب بگیریم و خواه اضافه تخصصی، معنی آن تفسیر یا گزارش آگاهی است که باتوجه‌به توضیحات بهار دور از حقیقت نیست که آگاهی صفت جانشین موصوف برای اوستا باشد:

زند از واژه اوستایی zantay به‌معنای شناخت آمده است که در ادبیات پهلوی به‌معنای شرح و تفسیر است و نیز متن‌های گزارده پهلوی از اوستا را زند می‌خوانند و گاه زند معنایی برابر اوستا دارد. بدین روی، زندآگاهی یعنی آگاهی بر دانش دینی اوستا و تفاسیر آن. اما در این احتمال هم که این کتاب زند آگاهی خوانده شده باشد، تردید است و به‌کارگرفتن این اصطلاح در آغاز سخن می‌تواند اشاره به منبع اصلی مطالب کتاب باشد، نه نام آن (فرنیغ‌دادگی ۱۳۹۷: ۵-۶).

۲. سنی ملوک الارض: «إن الله عزوجل قدر من عمر الدنيا، من مبتدأ المخلوقین الی یوم الفصل و زوال البلاء، اثنی عشر الف سنه»^۹ (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰).

بندهش: «چون از آغاز آفرینش که آفریدگان را آفرید تا به فرجام که اهریمن از کار بیفتد، به‌اندازه دوازده هزار سال است، که کرانه‌مند (متناهی) است» (فرنیغ‌دادگی ۱۳۹۷: ۳۶). پایان دنیای فانی و آغاز زندگی ابدی در سنت اسلامی عموماً با اصطلاح «قیامت» شناخته شده است، ولی تعبیر دیگری نیز برای آن آمده است، از جمله «یوم الفصل» (صافات: ۲۱؛ دخان: ۴۰؛ مرسلات: ۱۳-۱۴، ۳۸؛ ص: ۱۷؛ بنگرید به طوسی بی‌تا: ج ۸، ۴۸۹). معادل تقریبی آن در متون زردشتی پهلوی فرَشگرد (frašgird؛ در اوستا: frašō.keretay) است که بازسازی جهان کامل، بی‌نقص، و خالی از آمیختگی خیر و شر رخ می‌دهد (اوستا ۱۳۸۹: ۱۰۲۱؛ بهار ۱۳۸۱: ۴۱). توضیح این نکته لازم است که منظور حمزه

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سیدمحمد عبدی و تورج دریایی) ۲۴۷

اصفهانی اشاره به پایان جهان است، اما با اصطلاح اسلامی از آن یاد کرده، چنان که به جای «هرمزد» از «الله» نام برده است.

۳. سنی ملوک الارض: «فمکت العالم فی العلو من غیر آفه و لا عاهه ثلاثه آلاف سنه»^{۱۰} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰).

بندهش: «سه هزار سال آفریدگان به مینوی ایستادند که بی اندیشه، بی حرکت، و ناملموس بودند» (فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۳۴). هم چنین، «گوید به دین که سه هزار سال هستی مینوی بود که آفرینش بی اندیشه و بی جنبش و نابسودنی بود» (همان: ۱۵۵).

۴. سنی ملوک الارض: «ثم اهبط الی السفل فبقی عاریا من الآفه و العاهه مده ثلاثه آلاف سنه»^{۱۱} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰).

بندهش: آفرینش مادی به تفصیل (فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۳۹-۵۰/ فصل دوم، سوم، و چهارم) آمده است و با توجه به فصل پنجم (همان: ۵۰ به بعد)، سه هزار ساله بودن دوران آفرینش مادی قابل استنباط است. هم چنین، «سه هزار سال کیومرث را با گاو هستی بی پتیاره (بی مهاجم و بدی) بود» (همان: ۱۵۵). علاوه بر بندهش، این موضوع در این منابع پهلوی نیز آمده است: گزیده های زادسپرم (۱۳۶۶: ۳۵)، روایت پهلوی «سه هزار سال [آفرینش را] به حرکت دریاورد» (۱۳۶۷: ۵۵).

۵. سنی ملوک الارض: «بعد سته آلاف سنه من عدم شوب الشر»^{۱۲} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰).

بندهش: «با به سر رسیدن سه هزار سال...»^{۱۳} (فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۵۱). «شوب الشر» تعبیر عربی است که احتمالاً در اشاره به دوران آمیختگی (gumizišn) از آن استفاده کرده است. توضیحات مرتبط با گمیزشن در بند ۶ آمده است.

۶. سنی ملوک الارض: «ثم اعترض آهرمن فیه فظهرت الآفات و التنازع و امتزج لشر بالخیر بعد سته الاف سنه من عدم شوب الشر. ثم ابتداء الشوب من مبتدأ الألف السابع الامتزاجی»^{۱۴} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰).

بندهش: روایت هجوم اهریمن و نزاع میان نیروهای هرمزدی و اهریمنی در فصل های پنجم تا نهم به تفصیل آمده است (فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۵۱-۱۰۳). هم چنین، «(بعد از سه هزار سال مینوی و سه هزار سال مادی) که روی هم شش هزار سال بود، چون هزاره خدایی به ترازو آمد، اهریمن در تاخت» (همان: ۱۵۵).

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبیدی و تورج دریایی) ۲۴۹

تلفظ می‌کرده‌اند، با روش مکنزی هم‌خوانی بیش‌تری دارد یا نیبرگ از این جمله میسر نیست، زیرا کیومرث از اعلام مشهور در تواریخ قرون ماضیه است که با چند ضبط آمده و این ضبطی که حمزه آورده نیز از جمله آن‌هاست. بر این اساس، بر این نظریه که به دلیل شهرت کیومرث معادل رایج آن را در برابر ضبط پهلوی آورده و در این فقره، تابع تلفظ پهلوی نبوده است (درباره ضبط «کهومرث» از کیومرث در تواریخ عربی، بنگرید به بلعمی ۱۳۸۰: ۷۶؛ *مجمل‌التواریخ و القصص* ۱۳۸۹: ۲۳).

۹. سنی ملوک الارض: «و الثور ایوداد» (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱: ۵۰).^{۱۷}

بندهش: بهار آن را «گاو یکتا آفریده» (بهار ۱۳۴۵: ۴۰)، عریان «گاو» (فرنبغ دادگی ۱۳۹۷: ۱۰۲)، وست «ox = گاو» (West 1897: 6)، انکلساریا «the sole-created Gav = گاو یکتا آفریده» (Anklesaria 1956: 65) ترجمه کرده‌اند، اما در خود نسخه این گونه است:

𐬑𐬀𐬎𐬎𐬀 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
حرف نوشت: TWR'y'wyd't. تلفظ آن براساس روش نیبرگ gāv i ēvdād؛ تلفظ آن براساس روش مکنزی gāv i ēk-dād. توضیح دو نکته در این جا لازم است. نخست این که واژه گاو با هزوارش (ideogrammatic spelling) نوشته شده است (بنگرید به مدخل gāv در Mackenzie 1971)، دیگر این که روش مکنزی در تلفظ واژگان عمدتاً جای‌گزین روش نیبرگ شده و مورد اتفاق علمای این حوزه است و ما نیز در خوانش رسائل پهلوی اساساً پیرو روش مکنزی هستیم، اما در این فقره، چنان‌که ملاحظه می‌شود، روش نیبرگ است که با ضبط اعلام در کتاب حمزه هم‌خوانی دارد و از این جهت، اعلام را براساس روش نیبرگ حرف نویسی و آوانویسی کرده‌ایم.

قریب به یقین مأخذ حمزه در ضبط نام این گاو (بی واسطه یا با واسطه) از طریق مشاهده متن پهلوی بوده است، نه ترجمه یا استماع آن و این نکته‌ای مهم و درخور توجه است.

۱۰. سنی ملوک الارض: «و معنی کهومرث حی ناطق میت^{۱۸} و لقبه کل شاه ای ملک

الطین^{۱۹} فصار هذا الرجل اصلا للناس فی التناسل^{۲۰}» (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱).

ممکن است این بخش اضافهات حمزه باشد، چنان‌که برای توضیح بیش‌تر درباره کیومرث در منابع متعددی می‌توان مطلب یافت می‌شود (برای نمونه، بنگرید به بلعمی ۱۳۸۰: ۷۵؛ *مجمل‌التواریخ* ۱۳۸۹: ۲۱؛ ابن بلخی ۱۳۸۵: ۹؛ مسعودی ۱۹۳۸: ۷۵).

۱۱. سنی ملوک الارض: «و کان مده بقائه فی الدنيا ثلاثین سنه^{۲۱}» (حمزه اصفهانی

.(۱۹۶۱).

بندهش: «(کیومرث) پس از آمدن پتیاره، سی سال زیست» (فرنبرگ دادگی ۱۳۹۷: ۵۳). هم‌چنین، «از آن جاکه بر سپهر کیومرث پیدا بود، در تازش اهریمن، بر اثر نبرد اختران و اباختران، سی سال زیست» (همان: ۶۶). هم‌چنین است در گزیده‌های زادسپرم (۱۳۶۶: ۳۹، ۴۰) و روایت پهلوی (۱۳۶۷: ۵۵-۵۶).

این موضوع در دیگر منابع فارسی و عربی بدین صورت آمده است: «هزار سال عمر کرد» (ابن بلخی ۱۳۸۵: ۹؛ تاریخ سیستان ۱۳۶۶: ۳)، «درباره عمر او اختلاف کرده‌اند و آن را هزار سال و کم‌تر نیز گفته‌اند» (Maçoudi 1917: 110)، «گویند هفت صد سال» (بلعمی ۱۳۸۰: ۸۶)، ابن واضح یعقوبی گفته است هفتاد سال (یعقوبی ۲۰۱۰: ج ۱، ۲۰۰)، در این منابع عدد سی سال آمده است: شاهنامه (فردوسی ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۱)، تاریخ‌تعالی (Tha' ālibi 1900: 3)، البدء و التاریخ مقدسی (Al-Maqdisi 1899: vol. 3, 138)، و التنبیه و الاشراف مسعودی (مسعودی ۱۹۳۸: ۷۵).

۱۲. سنی ملوک الارض: «فلما خرجت من صلبه نطفه و غاضت فی الارض»^{۲۲} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱).

بندهش: «به‌هنگام درگذشتن، تخمه‌اش به زمین رفت» (فرنبرگ دادگی ۱۳۹۷: ۵۳؛ گزیده‌های زادسپرم ۱۳۶۶: ۴۹-۵۰؛ روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶).

۱۳. سنی ملوک الارض: «فقیت فی رحم الأرض اربعین سنه»^{۲۳} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱). بندهش: «چهل سال (آن تخمه) در زمین بود» (فرنبرگ دادگی ۱۳۹۷: ۸۱؛ گزیده‌های زادسپرم ۱۳۶۶: ۴۹-۵۰؛ روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶).

۱۴. سنی ملوک الارض: «ثم نبت منها نبتان شبه ریباستین»^{۲۴} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱). بندهش: «با به‌سررسیدن چهل سال، ریباستین یکی‌ستون، پانزده برگ، مهلی و مهلیانه (مشی و مشیانه) از زمین رستند» (فرنبرگ دادگی ۱۳۹۷: ۸۱؛ روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶). بلعمی، به‌نقل از گروهی از عجم، گفته است: «گیاه بودند. خدا دریشان روح عطا کرد» (بلعمی ۱۳۸۰: ۷۵)، در دادستان دینی به این صورت آمده است: «کیومرث هنگام مرگ تخمه می‌دهد و در حفاظت فرشتگان از آن مشی و مشیانه می‌رویند و حالت انسانی می‌گیرند، راه می‌افتند و به‌آمیزش و زایش می‌پردازند» (دادستان دینی ۱۳۹۷: پرسش شصت و سوم).

۱۵. سنی ملوک الارض: «ثم استحالوا من جنس التبات الی جنس الانسان»^{۲۵} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱).

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۵۱

بندهش: «سپس، هردو از گیاه پیکری به مردم پیکری گشتند» (فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۸۱).
در روایت پهلوی آمده: است «بعد از نه ماه به پیکر آدمی بگشتند» (روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶).

۱۶. سنی ملوک الارض: «احدهما ذکر و الآخر اثی»^{۲۶} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱).
علاوه بر بندهش، همه منابعی که به مشی و مشیانه اشاره کرده‌اند، نر و ماده بودن و زوج بودن آن دو را ذکر کرده‌اند.

۱۷. سنی ملوک الارض: «فخرجا علی قامتہ واحده و صورہ واحده»^{۲۷} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱).

بندهش: «هم بالا و هم دیسه بودند... آن گونه هم بالا بودند که پیدا نبود کدام نر و کدام ماده است» (فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۸۱).

۱۸. سنی ملوک الارض: «اسمهما مشه و مشیانه»^{۲۸} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱).

بندهش: در بندهش ایرانی، ت د ۲، سه املا از این دو نام وجود دارد:

𐭩𐭫𐭮𐭥𐭬𐭮𐭩𐭮 حرف نوشت به ترتیب: m's'n', m's'a' تلفظ به ترتیب: mašā,
mašān (دست نویس ت د ۲: ۲۵۳۷: ۷۰).

𐭩𐭫𐭮𐭥𐭬𐭮𐭩𐭮𐭥 حرف نوشت به ترتیب: m's'ng, m'sy' تلفظ به ترتیب: mašā,
mašānag (همان: ۲۱۱).

𐭩𐭫𐭮𐭥𐭬𐭮𐭩𐭮𐭥 حرف نوشت: m'syk تلفظ: mašālg (همان: ۱۰۱).

𐭩𐭫𐭮𐭥𐭬𐭮𐭩𐭮𐭥𐭬 حرف نوشت: m'sy'nyy تلفظ: mašyānē (همان: ۱۰۲).

۱۹. سنی ملوک الارض: «ثم تزوج مشه بمشیانه بعد خمسين سنه و ولد لهما»^{۲۹}
(حمزه اصفهانی ۱۹۶۱).

بندهش: «(به دلیل گناهی که مشی و مشیانه مرتکب شدند) چهل سال کامه هم آمیزی شان نبود و اگرشان نیز هم آمیزی بود، آن گاه فرزندی شان نبود. با به سر رسیدن پنجاه سال، به فرزندخواهی فراز اندیشیدند» (فرنیغ دادگی ۱۳۹۷: ۸۲).

در دینکرد هفتم به فرزندآوری ایشان از طریق خویدوده^{۳۰} اشاره شده است
(دینکرد هفتم ۱۳۸۹: ۱۹۹؛ روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶).

فرزندی آوری ایشان در اثر طبری نیز به این صورت ذکر شده است:

مشی و میشان فرزندان جیومرت بودند. و ازدواج کردند و از آن‌ها سیامک و سیامی زاده شد و از آن‌ها افرواک و دیس و براست و اجرب/اجوب و اوراش پسران آن دو و افری و دذی و بری و اوراشی دختران آن‌ها. از هفت اقلیم، اقلیم بابل و خشکی و دریاهایی که قابل دست‌رس است همگی از افرواک سیامک و سیامی‌اند و مردمان آن شش اقلیم دیگر که به آن‌ها دست‌رسی نیست از نسل دیگر فرزندان سیامک و سیامی. طبری - ایرانیانی که جیومرت را آدم ابوالبشر می‌دانستند (طبری ۱۹۸۷: ج ۱، ۱۵۳).

۲۰. سنی ملوک الارض: «فکان من لدن ان ولد لهما الی ان ملک اوشهنج فیشداد الدنیا ثلاث و تسعون سنه و سته اشهر»^{۳۱} (حمزه اصفهانی ۱۹۶۱).

بندهش: «(مشی و مشیانه) نود و سه سال و شش ماه با هم زن و شوی بودند تا آن‌که هوشنگ به برنایی آمد» (فرنیغ‌دادگی ۱۳۹۷: ۱۵۵).

جدول ۱. جمع‌بندی مطالب ذکرشده

نقل قول حمزه	بندهش	گزیده‌های زادسپرم	روایت پهلوی	دینکرد	داستان دینی
۱	=	-	-	-	-
۲	=	-	-	-	-
۳	=	-	-	-	-
۴	=	=	~	-	-
۵	=	-	-	-	-
۶	=	=	-	-	-
۷	=	=	-	-	-
۸	=	=	=	=	-
۹	=	-	-	-	-
۱۰	-	-	-	-	-
۱۱	=	=	=	-	-
۱۲	=	=	=	-	-
۱۳	=	=	=	-	-
۱۴	=	-	=	-	~
۱۵	=	-	~	-	-
۱۶	=	=	=	=	=
۱۷	=	-	-	-	-
۱۸	=	=	=	=	=
۱۹	=	-	~	~	-
۲۰	=	-	-	-	-

* توضیح علائم: = روایت مطابقت دارد، ≠ روایت متفاوت است، ~ روایت تقریباً برابر است، و - روایت را ندارد.

۸. نتیجه‌گیری

بعد از چند قرن فاصله و باتوجه‌به فرض مفقودشدن منابع متعدد از دوران گذشته، که از وجود آن‌ها حتی در حد نام آگاهی نداریم، اظهار نظر قطعی و پاسخ واضح و بلاشک به پرسش این پژوهش به‌دور از روش علمی و منطقی است، اما در تقویت نظر رابین می‌توان گفت میان کتاب سنی *ملوک الارض و الانبیاء* و *بندهش* ارتباط معناداری وجود دارد و این را از مقایسه مطالب منقول حمزه از آن با محتوای کتب فارسی، عربی، و پهلوی موجود می‌توان فهمید، به‌ویژه تطابق نام گاو «ایوداد» در فقرة ۹ و عدد «نود و سه سال و شش ماه» در فقرة ۲۰ که در هر دو یکی است، اما برخلاف نظر رابین، به قطع نمی‌توانیم بگوییم همین کتابی که امروزه به نام *بندهش* در اختیار ماست عیناً همان کتابی بوده که حمزه اصفهانی از آن استفاده کرده است.

ناگفته نماند این عدم قطعیت مجالی برای این نمی‌تواند باشد که هریک از منابع پهلوی موجود به‌جز *بندهش* می‌توانند آن کتاب باشند، زیرا در قیاسی که انجام گرفت میان خود منابع پهلوی به‌ویژه برخی فصول *گزیده‌های زادسپرم* و *بندهش*، که بیش‌ترین اتفاق موضوع (و نه اتفاق مضمون) را دارند، اختلافاتی وجود دارد که می‌توان گفت، اگرچه سندی وجود ندارد که با تکیه بر آن و فارغ از تحلیل بتوان هویت مأخذ حمزه را مشخص کرد، اما مطالب موجود در سایر منابع به‌طور مستند بیان‌گر این هستند که هیچ‌کدام از آن‌ها به‌دلیل اختلاف پربسامد و عدیده در مضامین نمی‌توانند مأخذ حمزه بوده باشند.

اما نتیجه‌گیری ما براساس بررسی‌هایی که انجام دادیم و باتوجه‌به فقدان اسناد و شواهد کافی، احتمالاً از این سه فرض خارج نیست: این مأخذ بی‌نام حمزه یا خود *بندهش* بوده، یا یکی از این دو مأخذ دیگری بوده، و یا هر دو کتاب از مأخذ مشترکی بهره برده‌اند. فایده این نتیجه‌گیری این است که مطالعه *بندهش* را در پیش‌برد مطالعات پژوهش‌گران در روش‌شناسی و مأخذشناسی مورخان قرون اولیه اسلامی، به‌ویژه حمزه اصفهانی، از مسائل تاریخی، زبانی، فرهنگی، و مذهبی ایران باستان و شریعت و جامعه زردشتی ناگزیر بلکه ضروری می‌دارد و توجه به این متن پهلوی را بیش از پیش در موضع توجه قرار می‌دهد.

نتیجه دیگری که از این پژوهش حاصل می‌شود به بخش دیگری از نظر رابین بازمی‌گردد که می‌گوید: «روایتی خلاصه و مغلوط» که باید افزود خلاصه‌بودن آن به پژوهش نیاز نداشته و کیفیت نقل مطلب در کتاب حمزه خود گواه و مؤید آن است، اما میان مطالب *بندهش* و مطالبی که حمزه بنابر اقتضای کارش به‌صورت کلی آورده است

ناهم خوانی ای مشاهده نمی شود و نظر رابین درباره مغلوب بودن این روایت از بندهش از نظر ما ادعایی کلی، خالی از مذاقه، و در نهایت مردود است.

پی نوشتها

۱. درباره اختلاف در نام این کتاب، بنگرید به مقدمه جعفر شعار و میتوخ ۱۳۴۶: و، یه، یو؛ محفوظ ۱۹۶۳: ۸۵-۸۶؛ سالاری شادی ۱۳۷۷: ۲۲-۲۳؛ ۱۰۵: ۱۸۷-۱۸۸ (Al-Biruni 1878).
۲. محققان معاصر اغلب از این فهرست به عنوان ترجمه های *خدای نامه* یاد می کنند که باید به دیده تردید یا احتیاط نگریسته شود.
۳. و این فصل ذکر مطالبی از *خدای نامه* است که ابن مقفع و ابن جهم نقل نکرده اند.
۴. (این مطالب را) در کتابی خواندم که از یکی از کتاب های ایشان (زردشتیان) به نام *اوستا* نقل شده است.
۵. این بود آنچه کسروی گفته بود.
۶. قزوینی مدعی است که عمده مطالب مقدمه قدیم *شاهنامه*، از جمله بخشی که از کتاب حمزه در آن یاد شده، در واقع متعلق به مقدمه *شاهنامه* مشهور ابومنصوری است (قزوینی ۱۳۶۳: ج ۲، ۵۲).
7. a highly compressed and inaccurate summary of a few chapters of the Iranian Bundahishn.
۸. از کتابی که از *آیستا* (اوستا) نقل شده خواندم.
۹. خداوند عمر آفرینش را از آغاز تا پایان دوازده هزار سال مقدر کرد.
۱۰. جهان سه هزار سال بی عیب و آفت در عالم بالا (جهان مینوی) بود.
۱۱. سپس به پایین (هستی مادی) آمد و سه هزار سال هم چنان بی آفت و عیب بود.
۱۲. با گذشت شش هزار سال از عمر آفرینش به دور از آمیختگی.
۱۳. سه هزار سال دوم که می شود شش هزار سال.
۱۴. با ظهور اهریمن در جهان در هزاره هفتم، دوران آمیختگی و آفتها و نزاع میان خوبی و بدی آغاز شد.
۱۵. نخستین مخلوقاتی که خدا از حیوانات آفرید مردی و گاوی بود که بدون آمیزش نر و ماده به وجود آمدند.
۱۶. نام مرد کهومرث بود.
۱۷. و (نام) گاو ایوداد بود. در متن مصحح گوتوالد و سایر چاپها ضبط آن به این شکل است: «ایوژاد»، اما آن را براساس تلفظ پهلوی تصحیح کردیم.

۱۸. کیومرث یعنی زنده گویای مرده.
۱۹. لقب کیومرث گل شاه یعنی پادشاه گل بود.
۲۰. کیومرث مبدأ تناسل بشر شد.
۲۱. سی سال در دنیا زیست.
۲۲. بعد از درگذشت، نطفه او در زمین فروشد.
۲۳. نطفه کیومرث چهل سال در زمین ماند.
۲۴. از آن نطفه بعد چهل سال دو گیاه مانند ریواس روید.
۲۵. سپس از جنس گیاه به جنس انسان تبدیل یافتند.
۲۶. یکی نر و دیگری ماده.
۲۷. در قامت و صورت یکسان.
۲۸. نامشان مشه و مشیانه بود.
۲۹. پس از پنجاه سال از ازدواج (آمیزش) مشه و مشیانه فرزندان زاده شدند.
۳۰. خویدوده یعنی ازدواج با محارم، بنگرید به مقاله نگارنده (Daryae 2013).
۳۱. از زمان فرزندآوری مشه و مشیانه تا پادشاهی هوشنگ پیشداد ۹۳ سال و شش ماه طول کشید.

کتابنامه

- قرآن‌الکریم (۱۴۲۵)، مدینه المنوره، مجمع‌الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- ابن‌بلخی (۱۳۸۵)، *فارس‌نامه*، به تصحیح گای لیسترنج و رینولد الن نیکلسون، تهران: اساطیر.
- احمدوند، فاطمه (۱۳۸۹)، «حمزه اصفهانی و تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء»، *نامه تاریخ پژوهان*، س ۶، پیاپی ۲۲.
- اوستا* (۱۳۸۱)، به گزارش و پژوهش جلیل دوست‌خواه، تهران: مروارید.
- بلعمی، محمدبن جریر (۱۳۷۷)، *تاریخ‌نامه طبری*، به تصحیح محمد روشن، تهران: سروش.
- بلعمی، محمدبن جریر (۱۳۸۰)، *تاریخ بلعمی*، به تصحیح محمدتقی بهار، تهران: زوار.
- بویس، مری (۱۳۹۵)، *زردشتیان: باورها و آداب دینی آنها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
- بهار، مهرداد (۱۳۴۵)، *واژه‌نامه بندهش*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۱)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: آگه.
- تاریخ سیستان* (۱۳۶۶)، به تصحیح ملک‌الشعراء بهار، تهران: کلاله خاور.

تاوادیبا، جهانگیر (۱۳۵۵)، *زبان و ادبیات پهلوی*، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران: دانشگاه تهران.

تفضلی، احمد (۱۳۸۹)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.

چرتی، کارلو. ج. (۱۳۹۵)، *ادبیات پهلوی*، ترجمه پانته‌آ ثریا، تهران: فرزانه‌روز.

حمزه اصفهانی، حمزه‌بن حسن (۱۳۴۶)، *تاریخ پیامبران و شاهان*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

حمزه اصفهانی، حمزه‌بن حسن (۱۹۶۱)، *سنی ملوک الارض و الانبیاء*، بیروت: دارالمکتبه الحیاء. *دادستان دینی* (۱۳۹۷)، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دست‌نویس ت د ۲: بندهش ایرانی؛ روایات امید اشاوهمیستان و جزآن (۲۵۳۷)، بخش نخست، به‌کوشش ماهیار نوابی و دیگران، شیراز: مؤسسه آسیایی دانشگاه پهلوی. *دینکرد هفتم* (۱۳۸۹)، ترجمه و آوانویسی محمدتقی راشد‌محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

روایت پهلوی؛ متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) (۱۳۶۷)، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

سالاری شادی، علی (۱۳۷۷)، «حمزه اصفهانی و سنی ملوک الارض و الانبیاء»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۴.

شعار، جعفر (۱۳۴۶)، *مقدمه بر: تاریخ پیامبران و شاهان*، حمزه اصفهانی، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

طبری، محمدبن جریر (۱۹۸۷)، *تاریخ الرسل و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دارالمعارف.

طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عبدی، سیدمحمد و تورج دریایی (۱۴۰۰)، «بررسی زمینه‌های ورود روایات التقاطی ایرانی-سامی به تاریخ ملی ایرانیان»، *دوفصل‌نامه تاریخ ادبیات*، دوره ۱۴، ش ۲، پیاپی ۸۵/۲.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، *شاهنامه*، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا، ش Add.21,103، مشهور به *شاهنامه لندن*، به‌کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار، تهران: طلایه.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*، به‌کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

فرنیغ‌دادگی (۱۳۹۷)، *بندهش*، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.

مأخذ حمزة اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سیدمحمد عبدی و تورج دریایی) ۲۵۷

فرنبغ دادگی (۱۳۹۹)، بندهش، آوانوشت، ترجمه، یادداشت‌ها برپایه نسخه شماره ۱ تهمورس دینشاه (TD1)، پژوهش سعید عریان، تهران: برسم.

قزوینی، محمد (۱۳۶۳)، بیست مقاله، به کوشش عباس اقبال و ابراهیم پورداود، تهران: دنیای کتاب.
کریستنسن، آرتور امانوئل (۱۳۶۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

گزیده‌های زادسپرم (۱۳۶۶)، ترجمه و آوانویسی محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مجمعل‌التواریخ و قصص (۱۳۸۹)، به تصحیح ملک‌الشعرا بهار، تهران: اساطیر.
محفوظ، حسین علی (۱۹۶۳)، *حمزة بن الحسن الاصفهانی: سیرته و آثاره و آراءه فی اللغة و التاریخ و البلدان*.

مسعودی، علی بن حسین (۱۹۳۸)، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: مکتبه التاریخیه.

میتوخ، اویگن (۱۳۴۶)، مقدمه بر: *تاریخ پیامبران و شاهان*، حمزه اصفهانی، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

یشت‌ها (۱۳۷۷)، ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداود، تهران: اساطیر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۰۱۰)، *تاریخ‌الیعقوبی*، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت: شركة الاعلمی للمطبوعات.

Al-Biruni, Muhammad ibn Ahmad (1878), *Al-Athar Al-Baqiya'an Al-Qurun Al-Kahliya*, Chronologie Orientalischer Volker von Alberuni, C. Eduard Sachau, Leipzig: F. A. Brockhaus.

Al-Maqdisi, Mūṭahhar ibn Ṭāhir (1899), *Le Livre de la Création ET de l'Histoire*, Clément Huart, Paris: Ernest.

Anklesaria, Behramgore Tehmuras (1956), *Zand-Akasih, Iranian or Greater Bundahish*, Bombay: Dastur Framroze A. Bode.

Daryae, T. (2013), "Marriage, Property and Conversion among the Zoroastrians: From Late Sasanian to Islamic Iran", *Journal of Persian ate Studies*, vol. 6.

Hämeen-Antilla, J. (2018), *Khwādaynāmag: The Middle Persian Book of Kings; Studies in Persian Cultural History*, vol. 14, Boston: Leiden, Brill.

Mackenzie, D. N. (1971), *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford: Oxford University Press.

Maçoudi, Alī ibn al-Husayn (1917), *Les Prairies d'or, C Barbier de Meynard ET Pavet de Courteille*, Paris: Imprimerie Imperiale.

- Rosenthal, F. (1968), *A History of Muslim Historiography*, Leiden: E. J. Brill.
- Rubin, Z. (2008), "Hamza al-Isfahani's Sources for Sasanian History", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, vol. 35.
- Tha' ālibī, Abou Mansour Abd al-Malik ibn Muḥammad (1900), *Histoire des Rois des Perses*, Paris: H. Zotenberg.
- West, E. W. (1897), *The Bundahishn (Creation or Knowledge from the Zand, from Sacred Books of The East)*, Oxford: Oxford University Press.